

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022/317255/2715>

**Analysis of the Relationship between Modernization and Urban Development Policies
(Case Study of Mashhad)**

Abstract

The aim of this study was to investigate the relationship between modernization and urban development policies in Mashhad. The method used in this study was semi-structured in terms of applied purpose and in terms of data collection method and comprehensive interviews. In this study, the statistical population included university professors, elites and specialists familiar with the field of modernization in Mashhad. Using purposive non-random sampling method and data adequacy and the principle of saturation, a total of 20 people were interviewed. Semi-structured interviews were used to collect data. Data were analyzed in three stages of open and axial and selective coding. The results of the research show that in the pre-revolutionary period, the Western modernization style ruled the city and the Shah tried to implement the Western model in the city's development plans. After the Islamic Revolution, in the direction of urban development, direct and indirect intervention was made in the central part of Mashhad. But in the meantime, during the modernization of Mashhad in the post-Islamic Revolution, conflicts such as national and local conflict; The conflict between tradition and modernity and development without considering the principles of modernization has also emerged.

Keywords: modernization, modernization, city development, politics, Mashhad

واکاوی ارتباط مدرنیزاسیون و سیاست‌های توسعه شهر (مطالعه موردی شهر مشهد)

محمد بافری^۱

مهدی نجف زاده^۲

وحید سینایی^۳

مرتضی منشادی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۷

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین مدرنیزاسیون و سیاست‌های توسعه شهری در شهر مشهد است. روش تحقیق در این پژوهش کیفی (تحلیلی تم) است و داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته گردآوری شد. جامعه آماری تحقیق شامل استادان دانشگاه، نخبگان و متخصصان آشنا با حوزه مدرنیزاسیون شهر مشهد هستند که با استفاده از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند و کفایت داده‌ها و اصل اشباع در مجموع با ۲۰ نفر مصاحبه شد. داده‌ها در ۳ مرحله کدگذاری باز و محوری و گزینشی مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دوران پیش از انقلاب، سبک مدرنیزاسیون غربی بر شهر حاکم بود و شاه تلاش داشت الگوی غربی را در برنامه‌های توسعه شهر پیاده‌سازی کند. پس از انقلاب اسلامی نیز در راستای توسعه شهری، مداخله مستقیم و غیرمستقیم در بافت مرکزی شهر مشهد صورت گرفت. اما در این میان، در جریان مدرنیزاسیون مشهد در دوران پس از انقلاب اسلامی تعارضاتی از جمله تعارض ملی و محلی؛ تعارض سنت و مدرنیته و توسعه بدون در نظر گرفتن اصول مدرنیزاسیون نیز پدیدار شده است. نتیجه نهایی، تغییر شهر مشهد از ماهیت مذهبی به شهر مدرن جدید است.

کلمات کلیدی: مدرنیزاسیون، نوسازی، توسعه شهر، سیاست، مشهد.

۱- دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی (گرایش مسائل ایران)، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

Mohammadbagheri61@gmail.com

۲- دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران نویسنده مسئول m.najafzadeh@um.ac.ir

۳- دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران sinaee@um.ac.ir

۴- دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران manshadi@um.ac.ir

شهرهای دوره پس از ورود اسلام به ایران دارای عناصر و فضاهایی بودند که تا قبل از ورود فرهنگ غربی، اتومبیل و رواج الگوهای جدید دست نخورده ماندند. اجزای سه گانه و مهم ارگ، مسجد جامع و بازار به همراه محله‌های مسکونی، کاروان سراهای شبکه معابر ارتباطی و سایر فضاها و عناصر شهری، همه با نظم و دقتی حساب شده در بافت شهرها جای گرفته و مجموعه‌های کاملی را پدید آورده بودند. در شهر ایرانی-اسلامی هر چه هست تبلوری است از محیط زیست فرهنگ و آداب و سنن.

اما به دنبال رسیدن موج فراگیر شهرسازی‌های جدید در نتیجه مدرنیزاسیون بعد از انقلاب صنعتی به ایران، علاوه بر از بین رفتن ویژگی‌های فیزیکی و پیوستگی کالبدی‌شان، بسیاری از خصوصیات فرهنگی و اجتماعی خود را نیز از دست دادند (مهدی‌زاده دهاقانی، ۱۳۸۴: ۳۶۰-۳۶۱).

مدرنیزاسیون (نوسازی) اصطلاحی برای تعریف روند تغییرات اجتماعی است که به موجب آن جوامع کمتر توسعه یافته ویژگی‌های مشترک جوامع پیشرفته‌تر را به دست می‌آورند. این فرایند در نتیجه ارتباطات بین المللی یا بین جامعه‌ای محقق می‌شود. همانطور که کارل مارکس بیش از یک قرن پیش در مقدمه کتاب "Das Kapital" متذکر شده بود: "کشوری که از نظر صنعتی توسعه یافته است، تنها تصویری از آینده خود را برای کشورهای کمتر توسعه یافته نشان می‌دهد." نوسازی اصطلاحی است که برای توصیف تحول جامعه از جامعه سنتی، روستایی، کشاورزی به جامعه سکولار، شهری و صنعتی استفاده می‌شود (Inglehart 2020:37).

این همان چیزی است که جوامع ما از آن عبور می‌کنند. با انواع پیشرفته‌ها در عرصه پزشکی و فناوری، جوامع ما به آرامی در حال تحول هستند. در طی دهه‌های اخیر کلان شهرهای ایران را نیز در حال طی مسیر مدرنیزاسیون بوده‌اند. از تئوری مدرنیزاسیون برای توضیح روند مدرنیزاسیون در سطح جوامع استفاده می‌شود. نوسازی یا مدرنیزاسیون به مدل انتقال تدریجی از جامعه ماقبل مدرن یا سنتی "به مدرن اشاره دارد. تئوری مدرنیزاسیون بازنمایی سیستماتیک واقعیت‌ها، قواعد اساسی و ویژگی‌های "پدیده‌های نوسازی" است (Inglehart and Welzel 2007:96).

نظریه نوسازی نشان می‌دهد جوامع سنتی با اتخاذ شیوه‌های مدرن‌تر، توسعه خواهند یافت. طرفداران تئوری مدرنیزاسیون ادعا می‌کنند که ایالت‌های مدرن ثروتمندتر و قدرتمندترند و شهروندان آنها از سطح زندگی بالاتر برخوردار هستند. گفته می‌شود تحولاتی مانند فناوری‌های جدید و نیاز به به روزرسانی روش‌های سنتی در حمل و نقل، ارتباطات و تولید، مدرنیزاسیون را ضروری یا حداقل نسبت به وضعیت موجود ارجح کرده است. این امر همچنین حاکی از آن است که اختیار انسان است که سرعت و شدت مدرنیزاسیون را کنترل می‌کند. جوامعی که تحت فرآیند مدرنیزاسیون قرار می‌گیرند، به جای اینکه تحت سلطه سنت قرار بگیرند، معمولاً به اشکال حاکمیتی که توسط اصول انتزاعی دیکته می‌شود، اداره می‌شوند. طبق این نظریه، عقاید سنتی مذهبی و صفات فرهنگی، معمولاً با مدرنیزاسیون اهمیت کمتری پیدا می‌کنند.

مورخان مدرن سازی را به فرآیندهای شهرنشینی و صنعتی سازی و گسترش آموزش پیوند می‌دهند. همانطور که کندال^۱ (۲۰۰۷) خاطر نشان کرد: "شهرنشینی همراه با مدرنیزاسیون و روند سریع صنعتی شدن بود." در نظریه انتقادی جامعه شناسی^۲، نوسازی با یک فرایند عقلانی سازی کلان مرتبط است. وقتی مدرنیزاسیون در جامعه افزایش می‌یابد، انسان و فردیت به طور فزاینده‌ای اهمیت پیدا می‌کند و در نهایت خانواده را به عنوان واحد اساسی جامعه جایگزین می‌کند. این موضوع در واحد درسی کلاسهای تاریخ جهانی جایگذاری پیشرفته تدریس می‌شود (Inglehart 2020:52).

با این که تئوری مدرنیزاسیون از یک اصل و ریشه است در حال حاضر، "یک خانواده بزرگ" از نظریه‌های مدرنیزاسیون وجود دارد که دارای مکاتب مختلف است و یک "نظریه واحد" در آن وجود ندارد. نظریه‌های نوسازی دائماً در حال تحول هستند و هرکدام از آنها دارای ویژگی‌های منحصر به فردی هستند. آن‌ها ویژگی‌ها و اصول مدرنیته جهانی را از زوایای مختلف توضیح می‌دهند.

موج اصلی	محدوده زمانی	تئوری اصلی
مدرنیزاسیون کلاسیک	دهه ۱۹۵۰ ~ ۱۹۶۰	نظریه مدرنیزاسیون کلاسیک، نظریه وابستگی، نظریه سیستم جهان
پست مدرنیزاسیون	دهه ۱۹۷۰ ~ ۱۹۸۰	نظریه پست مدرنیزاسیون (جامعه پسا صنعتی، پست مدرنیسم)
مدرنیزاسیون جدید	دهه ۱۹۸۰ ~ اکنون	نظریه مدرنیزاسیون اکولوژیکی، نظریه مدرنیزاسیون انعکاسی، تئوری مدرنیزاسیون مداوم، نظریه جهانی سازی، نظریه مدرنیته‌های متعدد، تئوری مدرنیزاسیون دوم

سه موج و ده نظریه مطالعات نوسازی جهان (Acemoglu and Robinson 2018).

نظریات مدرنیزاسیون هم تلاش می‌کنند متغیرهای اجتماعی را که به پیشرفت و توسعه اجتماعی جوامع کمک می‌کنند شناسایی کنند و هم در صدد هستند روند تکامل اجتماعی را توضیح دهند. نظریه‌های مدرنیزاسیون از این جهت که از ایدئولوژی‌های سوسیالیستی و بازار آزاد، نظریه‌های سیستم‌های جهانی، نظریه‌های جهانی سازی و نظریه‌های وابستگی ناشی می‌شود، مورد انتقاد هستند. این نظریه‌ها نه تنها بر روند تغییر بلکه بر پاسخ به آن تغییر تأکید دارند. همچنین ضمن اشاره به ساختارهای اجتماعی و فرهنگی و سازگاری فناوری‌های جدید، به پویایی‌های داخلی نیز می‌نگرند (Marsh 2014: 263).

به طور کلی، نوسازی تحول عمیقی است که از زمان انقلاب صنعتی در قرن هجدهم در جامعه بشری رخ داده است، و به نوعی انتقال از جامعه سنتی به جامعه مدرن است. این روند می‌تواند در کشورهای پیشرفته و همچنین در کشورهای کمتر توسعه یافته هنگام تلاش برای رسیدن به سطح پیشرفته جهان رخ دهد. پروفیسور لو رونگکو معتقد است که مناسب است که تحقق جامعه صنعتی بسیار پیشرفته را به عنوان علامت اصلی

^۱Kendall

^۲Sociological critical theory

تکمیل مدرنیزاسیون در نظر بگیریم، زیرا این یک فرایند خاص در تاریخ اخیر توسعه بشری است (Acemoglu and Robinson 2018:19).

در این فراینده (مدرنیزاسیون) شهر مشهد از جمله شهرهایی بود که از پیامدهای منفی این دگرگونی‌ها به دور نمانده به طوری که تغییر ساختار کالبدی شهر علاوه بر این که نظام و ساختار بافت قدیم را بر هم زد تضعیف آن را نیز در پی داشت. فضاهای مسکونی بدون توجه به فضاهای آموزشی خدماتی و عمومی لازم گسترش یافتند، نظام محله‌ای در هم شکسته جدایی گزینی اجتماعی نمودی کالبدی یافت و مناطق فقیرنشین و اعیان نشین کاملاً از هم قابل تشخیص شدند.

بنابراین آنچه امروزه با عنوان بحران و آشفتگی در نوسازی بافت شهری شهر ایرانی- اسلامی از جمله مشهد دیده می‌شود، نتیجه گسست فرهنگی و تزریق مؤلفه‌های غیروومی و غیراسلامی بر پیکره آن در دهه‌های اخیر بوده است. در این زمینه تلاش برنامه ریزان شهری در جهت احیای مؤلفه‌های شهرسازی ایرانی- اسلامی در سازمان فضایی شهر امری ضروری است. این پژوهش در نظر دارد به این سؤال پاسخ دهد که مدرنیزاسیون چه تاثیری بر توسعه شهری مشهد داشته است؟

۲- مبانی و چارچوب نظری

به گفته هریسون، محقق انگلیسی، نظریه مدرنیزاسیون کلاسیک در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ شکل گرفت. منابع نظری آن عمدتاً شامل تکامل گرایی، نظریه انتشار، فانکشنالیسم ساختاری، نظریه سیستم و نظریه تعامل است. علاوه بر این، علوم سیاسی، مردم شناسی، روانشناسی، اقتصاد و جغرافیا نیز سهم مهمی در شکل گیری آن داشتند. نظریه مدرنیزاسیون کلاسیک یک نظریه واحد نیست، بلکه مجموعه‌ای از افکار مختلف است. منشأ تئوری مدرنیزاسیون کلاسیک را تقریباً می‌توان به تکامل گرایی کلاسیک اجتماعی در قرن نوزدهم نسبت داد (هریسون ۱۹۸۸). به نظر هریسون، بیش از ۲۰ محقق غربی در نظریه مدرنیزاسیون کلاسیک مشارکت داشته‌اند، از جمله تکامل گرایان کلاسیک، تکامل گرایان جدید، نفوذگرایان، عملکردگرایان ساختاری انگلیس و نظریه پردازان سیستم‌های اجتماعی.

نظریه کلاسیک مدرنیزاسیون نمایشی از روند مدرنیزاسیون انقلاب صنعتی در قرن هجدهم است. به طور کلی، نظریه مدرنیزاسیون کلاسیک شامل یک نظریه عمومی است که دارای شاخه‌ها و تفکرات مختلف است. هریسون (۱۹۸۸) معتقد است که شکل گیری نظریه مدرنیزاسیون کلاسیک به تکامل گرایی کلاسیک در قرن نوزدهم برمی‌گردد.

در نظریه مدرنیزاسیون کلاسیک، مکاتب مختلف و دانشمندان مختلف تفسیرهای گوناگونی از مدرنیزاسیون دارند جامعه شناسان و مورخان درک نسبتاً متناقضی از این نظریه دارند و توضیحات متفاوتی از مدرنیزاسیون ارائه می‌دهند. با این وجود، محققان به طور کلی دو مفهوم اساسی نوسازی را در این نظریه می‌پذیرند (Martinelli 2005:62).

• نخست، مدرنیزاسیون به تغییرات عمیقی اشاره دارد که از زمان انقلاب صنعتی در کشورهای پیشرفته رخ داده است.

• دوم، نوسازی به فرایند توسعه کشورهای در حال توسعه اشاره دارد که سعی می‌کنند از پیشرفت جهانی عقب نمانند.

در مورد مشخصات فرآیند مدرنیزاسیون کلاسیک نظر واحدی وجود ندارد. برخی از نظریه پردازان و تحلیلگران معتقدند که مدرنیزاسیون کلاسیک امری غیر خطی است (Inglehart 1997:113).

روند نوسازی شامل تغییراتی در دانش، سیاست، اقتصاد، جامعه و روانشناسی است در مورد مراحل فرآیند نوسازی کلاسیک نظرات مختلفی وجود دارد. در حال حاضر، نماهای سه مرحله‌ای، چهار مرحله‌ای و پنج مرحله‌ای از مدرنیزاسیون کلاسیک ارائه شده است. (Black 1976: 334)

موضوع	توضیح	تعداد مراحل
تاریخ جهان	سه مرحله اول در اطراف گوشه شمال غربی اروپا (انگلیس، فرانسه و هلند) برگزار می‌شود و توسط انقلاب صنعتی انگلیس و انقلاب سیاسی فرانسه نشان داده می‌شود. مرحله دوم با صنعتی شدن گوشه شمال شرقی اروپا (آلمان) مشخص شده است، که در آن فاصله زمانی بین دموکراتیک سازی و صنعتی شدن منجر به فاجعه نازی و فاشیسم می‌شود. مرحله سوم در اطراف ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم است، که انقلاب دموکراتیک آنها با انقلاب صنعتی هماهنگی خوبی دارد (پارسونز ۱۹۵۱).	سه مرحله
تاریخ جهان	سه موج اول فرآیند صنعتی شدن اولیه است که با انقلاب صنعتی انگلیس آغاز شد و در اروپای غربی پخش شد و تقریباً در اواخر قرن ۱۸ و نیمه اول قرن ۱۹ گسترش یافت. موج دوم فرایندی است که در آن صنعتی شدن در اروپا و آمریکای شمالی به موفقیت رسیده بود. تقریباً در اواخر قرن ۱۹ تا اوایل قرن ۲۰ به طول انجامید. موج سوم فرآیندی است که در آن جهان پیشرفته و صنعتی شروع به ارتقا به سمت صنعتی شدن بیشتر کرده و تعداد زیادی از کشورهای توسعه نیافته صنعتی سازی را آغاز کرده‌اند. این موج تقریباً از اواخر قرن ۲۰ شروع شده و هنوز ادامه دارد. (Luo Rongqu 1993)	سه موج
توسعه اقتصادی و اجتماعی	چهار مرحله اول، چالش‌های ناشی از مدرنیته. ظهور ایده‌ها و سیستم‌های مدرن و همچنین طرفداران مدرنیزاسیون. دوم، تثبیت رهبری مدرن. قدرت از رهبری سنتی به رهبری مدرن منتقل شد، روند آن معمولاً با مبارزات انقلابی شدید همراه بود که چندین نسل به طول انجامید. سوم، تحول اقتصادی و اجتماعی. رشد اقتصادی و تغییرات اجتماعی به حدی رسید که سبک اصلی زندگی از یک روستایی مبتنی بر کشاورزی به یک سبک شهری مبتنی بر صنعت تغییر یافت. چهارم، ادغام اجتماعی. تحول اقتصادی و اجتماعی منجر به بازسازی اساسی جامعه شد (Black 1976)	چهار مرحله
تاریخ جهان	چهار دوره. دوره مقدماتی، دوره تحول، دوره نوسازی پیشرفته و دوره ادغام بین‌المللی (siah, 1976)	چهار دوره
روند تمدن	چهار مرحله دوره شروع، دوره توسعه، دوره بلوغ و دوره گذار (He Chuanqi 1999)	چهار مرحله
رشد اقتصادی	پنج مرحله اول، مرحله جامعه سنتی. دوم، مرحله آماده سازی برای پرواز، شامل افزایش سریع بهره وری کشاورزی،	پنج مرحله

تنظیم کارآمد ساختارهای اساسی اجتماعی، ایجاد روحیه‌های جدید در جامعه و ظهور یک طبقه کارآفرین جدید. سوم، مرحله برخاست، جایی که صنعتی سازی تحقق می‌یابد و بخش صنعتی پس از مدت زمان طولانی برای از بین بردن موانع توسعه اقتصادی ایجاد می‌شود. چهارم، مرحله بلوغ، جایی که فناوری‌های بخش صنعتی، منجر به بلوغ اقتصاد و جامعه می‌شود. پنجم، مرحله مصرف انبوه زیاد (روستو ۱۹۶۰). بعداً مرحله ششم اضافه شد: مرحله پیگیری برای کیفیت زندگی.

روند مدرنیزاسیون کلاسیک در زمینه‌های مختلف ویژگی‌های مختلفی دارد. به عنوان مثال، در زمینه اقتصادی؛ صنعتی شدن، بازاریابی، تولید انبوه و حرفه‌ای سازی و در زمینه اجتماعی؛ شهرنشینی، رفاه، بسیج اجتماعی، تمایز اجتماعی، ادغام اجتماعی و آموزش اجباری جهانی از ویژگی‌های آن است. در حوزه سیاسی با دموکراتیزه کردن، حاکمیت قانون، تمرکز، نهادسازی و بوروکراتیک سازی؛ در زمینه فرهنگی با عقلانی سازی، عرفی سازی و ارتباط جمعی و در زندگی شخصی با گشودگی، برابری، آزادسازی و انگیزه موفقیت همراه است

همانطور که کارل مارکس معتقد بود: کشوری که از نظر صنعتی توسعه یافته تر است، تنها تصویری از آینده خود را برای کشورهای کمتر توسعه داده نشان می‌دهد. ... یک ملت می‌تواند و باید از دیگران بیاموزد. و حتی وقتی جامعه‌ای برای کشف قوانین طبیعی جنبش خود مسیر درستی را طی کرده باشد، نه می‌تواند با جهش‌های جسورانه موانع موجود را فوراً از سر راه بردارد و نه با تصویب قانونی موانع موجود در مراحل متوالی جلوی توسعه طبیعی خود را بگیرد. اما می‌تواند درد زایمان را کوتاه کرد و کاهش داد (Inglehart and Welzel 2010:553).

در اواخر دهه ۱۹۶۰ انتقادات گسترده‌ای به نظریه مدرنیزاسیون کلاسیک وارد شد. این انتقادات نه تنها از خارج، بلکه از طرف محققانی که به تحقیقات نوسازی مشغول بودند نیز وارد شد. در این فضا نظریه‌های جدیدی شامل تئوری وابستگی، نظریه سیستم جهان و پست مدرنیسم که همگی دارای دیدگاه‌های انتقادی یا منفی نسبت به نظریه کلاسیک مدرنیزاسیون بودند امکان ظهور و گسترش پیدا کردند. از دهه ۱۹۷۰، تحقیقات مدرنیزاسیون کلاسیک دستخوش تغییرات زیادی شده است و بخشی از نظریه مدرنیزاسیون کلاسیک مورد تجدید نظر قرار گرفته است. بر اساس موارد گسترده و مطالعات تجربی، برخی از محققان برخی از دیدگاه‌های یک طرفه نظریه مدرنیزاسیون کلاسیک را استخراج و اصلاح کردند (Inglehart and Welzel ۲۰۰۵:۱۶).

به عنوان مثال:

- عرفی سازی یک فرایند پیچیده اجتماعی است، اما ادیان همیشه وجود دارند و نقش آن را بازی می‌کنند.
- نوسازی خطی نیست، بلکه غیرخطی و چند راهی است.
- سنتی بودن و مدرنیته کاملاً مخالف نیستند و ارزشهای سنتی ممکن است برای مدت طولانی باقی بمانند و نقش داشته باشند.
- رابطه بین دموکراسی و اقتصاد خطی نیست، بلکه غیرخطی و پیچیده است.

- مدرنیزاسیون جدید، فرهنگ کنفوسیوس و صنعتی سازی صادرات گرا در آسیای شرقی از اهمیت مثبت برخوردار است.

در واقع مدرنیزاسیون جدید در اروپای شرقی انتقال از مدرنیزاسیون برنامه ریزی شده به نوسازی بازار محور است. در دهه ۱۹۷۰، توسعه آینده کشورهای پیشرفته مورد توجه قرار گرفت و بسیاری از گرایش‌های جدید افکار از جمله پسامدرنیسم و جامعه پسا صنعتی پدیدار شد. پسامدرنیسم شامل انواع تفکرات است. در دهه ۱۹۹۰ نظریه پس از مدرنیزاسیون شکل گرفت. در دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰، برخی از محققان اصرار داشتند که تحقیقات مدرنیزاسیون خود را انجام دهند، و برخی ایده‌های جدید، از جمله "مدرنیزاسیون جدید"، مدرنیزاسیون مداوم، نوسازی اکولوژیکی، مدرنیزاسیون انعکاسی، مدرنیته‌های متعدد و جهانی سازی را ارائه دادند. از اواخر دهه ۱۹۹۰، با ظهور اقتصاد دانش و جامعه دانش، نظریه‌های نوسازی جدیدی بوجود آمدند (Fourie 2012:53).

با این حال اساس و پایه همه آنها همان تئوری مدرنیزاسیون کلاسیک است که تنها به اصلاح برخی جنبه‌های آن در نظریات جدید پرداخته شده است و عمده‌تاً با آوردن عناوین جدید به بازی با کلمات پرداخته شده است.

۳- شهر نشینی و توسعه شهری

از جمله نتایج مدرنیزاسیون و مدرنیته، توسعه شهری^۱ و افزایش شهر نشینی^۲ است. رشد شهری، توسعه شهری و پراکندگی شهری گاهی به طور مترادف استفاده می‌شوند. رشد و توسعه شهری افزایش پوشش زمین شهری است. یکی از ضروریات رشد شهری گسترش ابعاد شهر است. رشد شهری را با توجه به توسعه خود به خودی یا برنامه ریزی نشده شهر، پراکندگی شهری می‌نامند. پراکندگی شهری معمولاً دارای مفهوم منفی است، که با ایجاد یا تشدید مشکلات پیچیده شهری مانند زمین، آب و آلودگی هوا همراه است و در نتیجه تأثیرات منفی بر سلامت انسان خواهد داشت (Júnior, Santoro et al. 2016:252).

شهرنشینی به انتقال جمعیت از مناطق روستایی به شهری، کاهش نسبت افراد ساکن در مناطق روستایی و شیوه‌های سازگاری جوامع با این تغییرات اشاره دارد. این فرایند عمده‌تاً فرآیندی است که طی آن شهرها با شروع زندگی و کار بیشتر در مناطق مرکزی، بزرگ‌تر و بزرگ‌تر می‌شوند و توسعه میابند (Júnior, Santoro et al. 2016:254).

و اما توسعه پایدار شهری مفهوم و واژه‌ای چند بعدی است که پس از رشد سریع شهری و افزایش شهرنشینی و آشکار شدن آثار زیان بار چنین توسعه‌ای بر ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، محیطی و حیات انسان و ... در طی دهه‌های اخیر مطرح شده و بیش از پیش مورد توجه صاحب نظران قرار گرفته است. در یافتن این حقیقت که توسعه صرف اقتصادی زیان‌های جبران ناپذیری بر کیفیت بستر محیطی شهرها وارد می‌کند و تهدیدی برای نسل‌های آتی محسوب می‌گردد، باعث شد که نظریات نوینی در راستای بکارگیری محوری، نظیر کیفیت محیط، عدالت و برابری، آینده نگری و ... در دستور کار برنامه یزان قرار گیرد. به همین

^۱Urban development

^۲Urbanization

^۳Urban growth, urban extension, and urban sprawl

علت امروزه مقولاتی چون توسعه پایدار شهری، شهرنشینی پایدار، شهر اکولوژیک، شهر سالم و شهر سبز هر چه بیشتر جای خود را در محافل علمی و تصمیم‌گیری باز می‌کند (Parnell 2016:531).

اگرچه دو مفهوم شهرنشینی و رشد شهری گاهی به جای یکدیگر استفاده می‌شوند، اما باید آنها را از هم متمایز کرد. در حالی که شهرنشینی به نسبت کل جمعیت ملی ساکن در مناطقی که به عنوان شهر طبقه‌بندی شده‌اند اشاره دارد، رشد شهری دقیقاً به تعداد مطلق افراد ساکن در آن مناطق اشاره دارد. سازمان ملل بیان کرده است که نیمی از جمعیت جهان در پایان سال ۲۰۰۸ در مناطق شهری زندگی می‌کردند. پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۵۰ حدود ۶۴٪ از کشورهای در حال توسعه و ۸۶٪ از کشورهای پیشرفته شهرنشین شوند. این رقم تقریباً معادل ۳ میلیارد شهرنشین تا سال ۲۰۵۰ است که بیشتر آنها در آفریقا و آسیا ساکن خواهند بود. قابل ذکر است، سازمان ملل متحد نیز اخیراً پیش‌بینی کرده است که تقریباً همه رشد جمعیت جهانی از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۳۰، با حدود ۱٫۱ میلیارد شهرنشین جدید طی ۱۰ سال آینده توسط شهرها صورت خواهد گرفت (Cohen 2017:21).

شهرنشینی در رشته‌های مختلفی از جمله برنامه‌ریزی شهری، جغرافیا، جامعه‌شناسی، معماری، اقتصاد و بهداشت عمومی و علوم سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این پدیده ارتباط تنگاتنگی با مدرنیزاسیون، صنعتی‌سازی و جامعه‌سازی دارد. رشد شهرنشینی را می‌توان در شرایط خاص در یک زمان تعیین شده یا در طول زمان مشاهده کرد (Parnell 2016:539).

بنابراین، می‌توان شهرنشینی را از نظر سطح توسعه شهری نسبت به کل جمعیت و یا با توجه به میزان نسبت شهرنشینی جمعیت در نظر گرفت. شهرنشینی تغییرات عظیم اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی ایجاد می‌کند که برخی از مهم‌ترین آن‌ها تغییرات در پتانسیل استفاده بهینه از منابع، ایجاد کاربری پایدارتر از زمین و تنوع زیستی اکوسیستم‌های طبیعی است. شهرنشینی یک پدیده مدرن است و دگرگونی سریع ریشه‌های اجتماعی انسان در مقیاس جهانی، فرهنگ عمدتاً روستایی را به سرعت با فرهنگ عمدتاً شهری جایگزین می‌کند. با اینکه اولین تغییر عمده در الگوهای اسکان به هزاران سال پیش باز می‌گردد، هرگز رشدی مشابه امروز نداشته است. پیش‌بینی می‌شود این حرکت بی‌سابقه مردم طی چند دهه آینده ادامه داشته و تشدید شود تنها در مدت ۲۰۰ سال، جمعیت شهری جهان از ۲ درصد به تقریباً ۵۰ درصد از کل مردم رسیده است (Parnell 2016:539).

بارزترین نمونه‌های شهرنشینی در جهان، ایجاد ابرشهرهای ۱۰ میلیون نفری یا بیشتر است. در سال ۱۹۷۵ تنها چهار شهر بزرگ در جهان وجود داشت. رشد و توسعه مناطق شهری هم از طریق افزایش مهاجرت به شهرها و هم از طریق زاد و ولد جمعیت شهری حاصل می‌شود. بیشتر مهاجرت‌های شهری ناشی از تمایل جمعیت روستایی به مزایایی است که مناطق شهری ارائه می‌دهند. مزایای شهری شامل فرصت‌های بیشتر برای دریافت آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و خدماتی مانند سرگرمی است. نرخ باروری شهری، اگرچه کمتر از نرخ باروری روستایی در هر منطقه از جهان است، اما به رشد مناطق شهری کمک می‌کند. در مناطق شهری، زنانی که از مناطق روستایی مهاجرت کرده‌اند فرزندان بیشتری نسبت به متولدین مناطق شهری دارند (Ritchie and Roser 2018:19).

امروزه در آسیا محل‌های زندگی اوساکا، توکیو، بمبئی، داکا، کراچی، جاکارتا، شانگهای، چونگ کینگ، گوانگژو، مانیل، سنول و پکن هر یک بیش از ۲۰ میلیون نفر را در خود جای داده‌اند. دهلی نزدیک یا بیش از ۴۰ میلیون نفر در سال ۲۰۳۵ جمعیت خواهد داشت. در شهرهایی مانند تهران، استانبول، مکزیکو سیتی، سائوپائولو، لندن، مسکو، بوینس آیرس، شهر نیویورک، لاگوس، لس آنجلس و قاهره هرکدام بیش از ۱۵ میلیون نفر زندگی می‌کنند یا به زودی در آنها زندگی خواهند کرد (Gross, Gualini et al. 2018:216).

امروزه، حدود ۵۵٪ از جمعیت جهان - ۴٫۲ میلیارد نفر - در شهرها زندگی می‌کنند. انتظار می‌رود این روند ادامه یابد و تا سال ۲۰۵۰، با افزایش جمعیت دو برابری جمعیت فعلی، تقریباً ۷ نفر از ۱۰ نفر ساکن جهان در شهرها زندگی کنند. با تولید بیش از ۸۰٪ تولید ناخالص داخلی جهانی در شهرها، اگر افزایش بهره‌وری در شهرها به خوبی مدیریت شود، امکان ظهور نوآوری و ایده‌های جدید فراهم می‌شود و می‌تواند به رشد پایدار کمک کند (Norman 2018:2).

با این حال، سرعت و مقیاس رشد و توسعه شهری چالش‌هایی را به همراه دارد، از جمله تأمین تقاضا برای مسکن ارزان قیمت، تأمین تقاضا برای سیستم‌های حمل و نقل و ایجاد زیرساخت‌های لازم، تأمین تقاضا برای خدمات اولیه و همچنین مشاغل. امروزه ۶۰٪ از آوارگان اجباری در مناطق شهری زندگی می‌کنند (Crisp ۲۰۱۷:۸۹).

به محض احداث یک شهر، شکل فیزیکی و الگوهای کاربری آن می‌تواند برای نسل‌ها تثبیت شود و منجر به گسترش پایدار شود. گسترش مصرف زمین شهری تا ۵۰٪ از رشد جمعیت جلوگیری می‌کند، که انتظار می‌رود در سه دهه گذشته ۱٫۲ میلیون کیلومتر مربع از منطقه جدید شهری را به جهان اضافه کند. چنین پراکندگی زمین و منابع طبیعی را تحت فشار قرار می‌دهد و منجر به نتایج نامطلوب می‌شود. شهرها دو سوم مصرف جهانی انرژی را مصرف می‌کنند و بیش از ۷۰ درصد از انتشار گازهای گلخانه‌ای را تشکیل می‌دهند. شهرها به طور فزاینده‌ای در پیدایش تغییرات آب و هوایی نقش مهمی دارند، زیرا با رشد شهرها قرار گرفتن در معرض بلایای آب و هوایی و سایر خطرات زیست محیطی افزایش می‌یابد. تقریباً یک میلیارد نفر از جمعیت جهان در مناطق ساحلی زندگی می‌کنند که بیش از نیمی از آنها در شهرها ساکن هستند و این امر آسیب پذیری آنها در برابر موج طوفان و افزایش سطح دریا را افزایش می‌دهد. در بزرگترین شهرهای ساحلی که بالغ بر ۱۳۶ شهر است، ۱۰۰ میلیون نفر یا ۲۰٪ از جمعیت آنها و ۴٫۷ تریلیون دلار دارایی در معرض سیل ساحلی قرار دارند. حدود ۹۰٪ از گسترش شهرها در کشورهای در حال توسعه نزدیک مناطق خطرناک است و از طریق سکونتگاه‌های غیررسمی و بدون برنامه ریزی ساخته شده است (Lenzi and Perucca ۲۰۲۰:۲۶).

دلایل مختلفی در مهاجرت مردم از روستا به شهرها تأثیر گذار است. در درجه اول نوید شغل و رفاه است که مردم را به شهرها می‌کشاند. نیمی از جمعیت جهانی در حال حاضر در شهرها زندگی می‌کنند و انتظار می‌رود تا سال ۲۰۵۰ دو سوم مردم جهان در مناطق شهری زندگی کنند. اما در شهرها دو مشکل اساسی که امروز جهان با آن روبرو است نیز گرد هم می‌آیند: فقر و تخریب محیط زیست. (Fengyun, Yanan et al. ۲۰۱۸:۱۹)

رشد شدید شهری می‌تواند منجر به فقر بیشتر شود، زیرا دولت‌های محلی قادر به ارائه خدمات برای همه مردم نیستند. کیفیت پایین هوا و آب، در دسترس نبودن آب کافی، مشکلات دفع زباله و مصرف زیاد انرژی با

افزایش تراکم جمعیت و تقاضای محیط‌های شهری تشدید می‌شود. همزمان با متورم شدن مناطق شهری جهان، برنامه ریزی شهری قوی برای مدیریت این مشکلات و سایر مشکلات ضروری می‌گردد.

۴- رابطه بین شهرنشینی و مدرنیزاسیون

ویژگی‌های مشترک بین شهرنشینی و مدرنیزاسیون، تمایز بین این دو فرآیند را مشکل می‌کند. به همین دلیل است که به نظر می‌رسد این مفاهیم غالباً با هم تداخل دارند. عقلانیت، خلاق و خوی علمی، فردگرایی، سکولاریسم، خلاق و خوی پیشرفت و تحرک از مشخصه‌های فرهنگی-اجتماعی هر دو شهرنشینی و نوسازی است. مدرنیزاسیون به ارزشهای جدید فرهنگی اشاره دارد، که با رنسانس و انقلاب صنعتی ظهور کرد و در جوامع اروپایی جایگزین هنجارهای سنتی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود شد، به عنوان مثال، فئودالیسم با دولت دموکراتیک آزاد جایگزین شد، کلیسا از دولت جدا شد و دولت ملی سکولار تأسیس شد، اقتصاد سنتی کشت و صنعت و صنایع دستی با اقتصاد صنعتی جایگزین شد، قوانین عرفی با سیستم حقوقی مکتوب جایگزین شد و مردم از نظر جهان بینی عقلانی و در روابط خود فردگرا شدند و انقیاد خود را از اقتدار اولیه جامعه شکستند. به دنبال توسعه صنعتی، روند شهرنشینی با سرعت بیشتری سرعت گرفت. شهرنشینی تغییرات اجتماعی و فرهنگی را در زندگی جامعه ایجاد کرد که با مدرنیزاسیون نیز مطابقت دارد (Gries and Grundmann 2018:495).

از دست دادن همبستگی گروهی و زندگی اجتماعی و خانواده‌های مشترک بزرگ سنتی از یک سو و رشد فردگرایی، و کوچک‌تر بودن خانوارها و رشد شخصیت‌های خودمختار در یک جامعه ناهمگن از سوی دیگر، از ویژگی‌های معمول مشاهده شده در شهرها و همچنین شیوه مدرن زندگی است. جهان گرایی، برابری طلبی، انسان گرایی، سکولاریسم و دموکراسی دیدگاه‌های جهانی مرتبط با آنچه ما آن را "فرهنگ شهری" می‌نامیم هستند. اما، این زندگی فقط به جمعیت ساکن در یک مرکز شهری محدود نمی‌شود. حتی در مناطق روستایی که بیشتر در معرض ابعاد دیگر مدرنیزاسیون، مانند صنعتی سازی، آموزش، ارتباطات و حمل و نقل هستند، دیده می‌شود (Brenner 2013:86).

صنعتی سازی در طول تاریخ با ایجاد رشد اقتصادی و فرصت‌های شغلی که مردم را به سمت شهرها سوق می‌دهد، به شهرنشینی منجر شده است. شهرنشینی معمولاً هنگامی آغاز می‌شود که یک کارخانه یا چندین کارخانه در یک منطقه تأسیس می‌شوند، بنابراین تقاضای زیادی برای کارگران کارخانه ایجاد می‌شود. سپس مشاغل دیگر مانند تولیدکنندگان ساختمان، خرده فروشان و ارائه دهندگان خدمات کارخانه‌ها را دنبال می‌کنند تا خواسته‌های محصول کارگران را برآورده کنند. این موضوع اشتغال و تقاضای بیشتری برای مسکن ایجاد می‌کند، بنابراین یک منطقه شهری ایجاد می‌شود. (Zhang, Yang et al. 2011:2049)

در دوران مدرن، مراکز تولید صنعت مانند تأسیسات تولیدی و کارخانه‌ها اغلب جایگزین مناطق کشاورزی می‌شوند. این مراکز فناوری کارگران را از مناطق دیگر جذب می‌کنند و به شهرنشینی کمک می‌کنند. در طول تاریخ تمدن بشری، شهرهای ایجاد شده در نزدیکی توده‌های بزرگ آبی بوده‌اند. در ابتدا، این موضوع فقط برای تأمین نیازهای آب و غذایی جمعیت زیاد شهر بود. با این حال، از زمان انقلاب صنعتی، روند شهرنشینی در امتداد آبراه‌ها همچنان ادامه پیدا کرد، زیرا برای پایدار نگه داشتن صنعت، به آب زیادی نیاز است.

بسیاری از مشاغل نه تنها برای تولید محصولات به مقدار زیادی آب نیاز دارند، بلکه برای حمل کالا به اقیانوس‌ها و رودخانه‌ها احتیاج دارند. امروزه ۷۵ درصد از بزرگترین مناطق شهری جهان در مناطق ساحلی به وجود آمده‌اند (Zhang, Yang et al. 2011:2052)

با صنعتی شدن، رشد اقتصادی ایجاد می‌شود، تقاضا برای مراکز آموزش عمومی و امکانات عمومی که از ویژگی‌های مناطق شهری هستند، افزایش می‌یابد. این تقاضا به این دلیل اتفاق می‌افتد که مشاغلی که به دنبال فناوری جدید برای افزایش بهره‌وری هستند به نیروی کار تحصیل کرده نیاز دارند و شرایط زندگی مطبوع می‌تواند کارگران ماهر را به منطقه جذب کند. پس از صنعتی شدن یک منطقه، روند شهرنشینی در آن برای دوره زمانی طولانی‌تری ادامه می‌یابد زیرا منطقه چندین مرحله از اصلاحات اقتصادی و اجتماعی را طی می‌کند. هر شهر به تدریج از سطح بالاتری از رونق اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی برخوردار می‌گردد که از طریق افزایش آموزش، مداخلات دولتی و اصلاحات اجتماعی حاصل می‌شود (Gollin, Jedwab et al. 2016:39).

۵- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های کیفی اکتشافی و به روش آمیخته است. در بخش توصیف پژوهشگر تلاش می‌کند داده‌های موجود را از طریق منابع کتابخانه‌ای و به شیوه فیش برداری جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. در زمینه گردآوری داده‌ها از روش اسنادی و مصاحبه‌های جامع نیمه ساختاریافته استفاده می‌شود. داده‌ها در ۳ مرحله کدگذاری باز و محوری و گزینشی مورد تحلیل قرار گرفتند. در این پژوهش نیز به جای آزمون فرضیه، هدف گردآوری الگوها و ایده‌ها برای یافتن درک عمیق از موضوع است. در پژوهش کنونی برای کشف تأثیرات مدرنیزاسیون و سیاست‌های توسعه شهری مشهد از رویکرد تحلیلم استفاده شده است. در پژوهش حاضر از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته به عنوان ابزار گردآوری اطلاعات مورد نیاز جهت مفهوم‌سازی و فرموله کردن مدرنیزاسیون و سیاست‌های توسعه شهری مشهد بهره گرفته شد. این مصاحبه‌ها بر اساس پرسش اصلی پژوهش پیرامون موضوع تحقیق، توسط پژوهشگر و بنا به بازخوردهایی که در طی فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها دریافت شد انجام گرفت. پژوهشگر پس از گرفتن اطلاعات جمعیت‌شناختی، با استفاده از سؤالات باز مصاحبه را شروع می‌کرد. طراحی سؤالات پژوهش برای انجام مصاحبه به صورت مستمر در حین انجام مطالعه انجام شد. جامعه مورد نظر پژوهش کنونی ترکیبی از استادان دانشگاه، نخبگان و متخصصان آشنا با حوزه مدرنیزاسیون شهر مشهد هستند. اعضای این جامعه کسانی هستند که حوزه علمی یا اجرایی کار آنها مرتبط با مشهد است و عمداً از ساکنین مشهد هستند.

۶- یافته‌های تحقیق

۱-۶- نوسازی و توسعه در دوران پیش از انقلاب

اولین سؤالات موجود در مصاحبه‌ها به بررسی ویژگی‌های شهر مشهد و مدرنیزاسیون شهر در دوران پیش از انقلاب اسلامی و تفاوت آن با دوران پس از انقلاب پرداخته بود. بر اساس نظر عمده شرکت‌کنندگان در مصاحبه بر مبنای کدهای گزینشی استخراج شده، در دوران پیش از انقلاب سبک و سیاق مدرنیزاسیون غربی بر شهر حاکم بود و شاه سعی می‌کرد الگوی غربی را در برنامه‌های توسعه شهر پیاده‌سازی کند. به طوریکه یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه گفته است: "سیاست‌های شهری در این دوره به شدت متأثر از غرب

می‌باشد (شیفتگی به غرب در این سیاستها موج می‌زند). در این دوره سعی در تغییر مبانی هویت بخش شهر شد و سازمان و نظمی که از گذشته هویت شهر را ایجاد می‌کرد به عقب رانده شد و از آن به عناوینی چون «کهنه»، «کهن»، «سنت» و «عقب ماندگی» یاد می‌شد. در این دوره هویت جدیدی برای شهر مد نظر قرار گرفت و تبلیغ شد. سعی شد تا هویتی بر مبنای شهر به مفهوم جدید پایه گذاری بشود.

پیشینه پژوهشی موجود نیز نشان می‌دهد که مهمترین این اقدامات کالبدی انجام شده در دوره پهلوی اول در شهر مشهد بجز احداث صحن پهلوی و تعریض خیابان عبارت‌اند از: احداث خیابانهای طبرسی، تهران (امام رضا کنونی)، شاه رضا (آزادی فعلی) و پهلوی (امام خمینی فعلی). همچنین احداث فلکه حضرت پیرامون حرم مطهر در دو مرحله. فلکه شمالی در سال ۱۳۰۸ و فلکه جنوبی در ۱۳۰۹ (متولی حقیقی، ۱۳۹۲: ۴۵۹) این فلکه با عرض سه متر که برای نخستین بار بالا خیابان و پایین خیابان را که به حرم مطهر منتهی می‌شدند؛ به یکدیگر متصل کرد؛ در راستای تسهیل دسترسیهای سواره ایجاد شده بود. همچنین وضعیت بهداشتی نامناسب معابر فرعی که جهت عبور و مرور وسایل نقلیه و چهارپایانی که امکان تردد از بسترهای حرم به عنوان مسیر ارتباطی را نداشتند؛ ضرورت تغییر در وضعیت معابر را بیش از پیش نمایان می‌کرد (متولی حقیقی، ۱۳۹۲، ۵۷).

لازم به ذکر است که این فلکه در زمان خود موقعیت بسیار ممتازی پیدا کرد. در اطراف آن مغازه‌ها و بنگاه‌های مسافربری و شعبه‌های بانکها و مسافرخانه‌هایی تأسیس شد و فروشگاهها و مراکز اقتصادی در آن محل پدید آمد و تبدیل به مکانی بسیار فعال و پر جنب و جوش گردید. دوران پهلوی دوم یکی از پر تنش‌ترین مداخله‌ها در زمینه تغییر چهره مرکز شهر صورت گرفت و آن تخریب ابنیه اطراف حرم مطهر در سال ۱۳۵۴ در قالب الگوی نوسازی بزرگ مقیاس و ایجاد فضای سبز در این محدوده است. شعاع فلکه این طرح از رأس گنبد طلا ۳۲ متر و مساحت تقریبی این محدوده ۳ هکتار بود. در راستای اجرای طرح بیان شده، با تخریب مراکز تجاری و اقتصادی، مسکونی و فرهنگی اطراف حرم مطهر، فضایی قابل توجه در مرکز این بافت فشرده و متراکم ایجاد شد. (نجیب زاده و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۶) که اماکن مقدس حرم امام رضا (ع) از میان این فضا سر برافراشته و قدرت و فرصت کافی برای جلوه‌نمایی پیدا نمودند. هرچند که اجرای این طرح بسیار پرتنش بود و تعدادی از آثار و ابنیه تاریخی نیز در اثر اجرای آن از بین رفت؛ ولی با ایجاد فضای باز سبز در دل توده‌ها و بافت بسیار متراکم این منطقه، باعث شد تا ابنیه مجموعه حرم همچون نگینی در میان این فضای باز و سبز درخشیده و جلوه‌گری نماید. ایده‌ای که مهندس طاهرزاده بهزاد در دوره پهلوی اول و مهندس میرمیران در دوره پهلوی دوم به آن اشاره کرده بودند.

بنابر این به نظر می‌رسد با وجودیکه سبک و سیاق غربی بر گسترش، توسعه و نوسازی شهر حاکم بود و با وجود از بین رفتن قسمت اعظمی از بافت تاریخی و سنتی اطراف حرم در شهر مشهد، برنامه‌های نوسازی در این دوران فواید قابل توجهی برای شهر به همراه داشته و امکان گسترش شهر، مهاجرت، ظهور و گسترش انواع صنایع اعم از گردشگری را به وجود آورده بود. هرچند عدم مدیریت صحیح فرصت‌های پیش آمده، مشکلات متعددی در سالهای آتی ایجاد کرد که در ادامه بدان‌ها پرداخته می‌شود.

علاوه بر این‌ها به نظر می‌رسد الگوی ساخت و ساز در این زمان بیشتر با اهداف اقتصادی رخ داده است و توجه به جنبه‌های فرهنگی بسیار کمتر از دوران پس از انقلاب بوده. در واقع در دوران پیش از انقلاب تلاش

شد با جایگزینی بافت مدرن با بافت سنتی و فرسوده، زمینه‌های ارزش‌آوری، ارتقا صنعت و ورود گردشگران به مشهد فراهم شود. در این باره یکی از مصاحبه‌شوندگان معتقد است: «مدل ناقص در ایران زمان شاه‌الگو برداری شده چراکه فقط به مسائل اقتصاد محدود بوده است. به قرائت آکادمیک مدل توسعه در ایران به توسعه نامتوازن انجامیده است.»

۲-۶-نوسازی و توسعه در دوران پس از انقلاب

پس از انقلاب اسلامی مداخله مستقیم (اعمال دولتی) و غیرمستقیم (اعمال توسط قوانین اجرا شده توسط شهرداری‌ها) در بافت مرکزی شهر مشهد صورت گرفت مداخله مستقیم در قالب دو طرح عظیم به اجرا درآمد. این طرح در سال ۱۳۶۰ توسط آستان قدس رضوی تهیه و به مرحله اجرا درآمد. هدف طرح توسعه حرم مطهر از ۱۲۰ هزار مترمربع به حدود ۹۶۰ هزار مترمربع تا سال ۱۳۸۰ بود. برای پیشبرد اهداف طرح توسعه، سازمان عمران و توسعه حریم حرم مطهر وابسته به آستان قدس رضوی تشکیل شد و به منظور اجرای این طرح، علاوه بر املاکی که در دوره پهلوی دوم، به منظور ایجاد فضای باز و سبز آزاد شده بود؛ املاک و مستغلات موجود که بالغ بر ۲۵۰۰ قطعه زمین، اعم از تجاری و مسکونی که در مجموع حدود ۲۲۵۰۰۰ مترمربع مساحت را شامل می‌شد؛ توسط آستان قدس رضوی خریداری گردید (آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱: ۴۵)

طرح نوسازی و بازسازی (بهسازی) بافت پیرامون حرم مطهر در محدوده‌های به وسعت ۳۳۷ هکتار که پس از کسر ۶۹ هکتار اراضی حرم مطهر، بقیه محدوده که شامل ۲۶۸ هکتار می‌باشد؛ در قالب ۴ قطاع، در حال اجراست

(نجیب زاده و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۳) طرح بیان شده به دنبال پیشنهادی طرح جامع مبنی بر پایین بودن سرانه معابر اصلی در محدوده مرکزی مشهد، با توجه به افزایش تراکم جمعیت در آینده و مشکلات حاصله، در سال ۱۳۷۲ با هدف تجهیز هسته اصلی مرکز شهر و به منظور پاسخگویی به نیازهای میلیون‌ها زائر و مسافر و برقراری تعادل میان ارزش‌های بی‌بدیل مجموعه حرم مطهر با نظام‌های شهری پیرامون در دو مرحله به اجرا درآمد. در مرحله نخست الگوی انتخابی تخریب و تجدید توسعه کامل محدوده بود (نوسازی و بازسازی) اما به دلایلی از جمله نامشخص بودن مدیریت طرح، انعطاف ناپذیر بودن ضوابط و مقررات و نامشخص بودن جایگاه شهروندان در فرآیند توسعه، ضرورت تجدیدنظر در طرح مطرح شد. طرح تجدیدنظر نیز با الگوی بهسازی و نوسازی در سال ۱۳۷۸ به تصویب رسید (متولی حقیقی، ۱۳۹۲: ۴۵۹)

جمهوری اسلامی ایران و آستان قدس رضوی در این دوران تلاش می‌نمودند جلوه‌های اسلامی را در نوسازی مشهد علی‌الخصوص اطراف سحن مطهر حفظ کرده و آن را گسترش دهند و تا حد بسیاری در این امر موفق عمل کرده‌اند. گردشگری مذهبی در دوران پس از انقلاب چندین برابر شد، صحن حرم بسیار گسترش یافت و عناصر مذهبی در گوشه کنار شهر، بخصوص اطراف حرم بسیار گسترش یافتند. ولی با توجه به اتخاذ رویکرد سلیقه‌ای در نوسازی و مدرنیزاسیون شهر، شهر جلوه‌ای ترکیبی از مذامین غربی و مذهبی پیدا کرد. بخصوص در سازه‌های اطراف صحن که کمتر تحت نظارت آستان قدس رضوی بود و اغلب توسط سرمایه‌گذاران شخصی ساخته می‌شد، ترکیب‌های غیر مهندسانه غربی اسلامی به وفور ایجاد شد. در این باره عمده مصاحبه‌شوندگان به آشفتگی ساخت و سازها پس از انقلاب اسلامی اشاره کرده‌اند. به طوری که یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه معتقد است:

"در دوران پس از انقلاب به صورت یک ملغمه‌ای از سنت و مدرن ما شاهدان هستیم. در شهرهای ایران هنوز به لحاظ فکری و نظری بحث طرح‌های جامع و حرکت بر اساس آن الگوی غالب است. البته الگوهای جدیدی وارد نظام شهرسازی شده (در دانشگاهها مورد بحث واقع می‌شوند) ولی نتوانسته آنچنان در سطح شهر به صورت عملیاتی در بیاید. در دوره پس از انقلاب الگوی سابق ادامه پیدا کرده البته به صورت نه چندان خوب. چرا که ما آن طرح‌ها را به زور می‌خواهیم با ایدئولوژی حاکم شده پس از انقلاب (یعنی شهر اسلامی) سازگار کنیم مثلاً در طرح جامع سابق با گذاشتن یک مسجد در بخش و تغییراتی از این دست، که عملاً موجب بهم ریختگی طرح و به خراب شدن طرح انجامیده است.

ویژگی‌های مشهد پس از انقلاب		۱
تعدد نهادهای مجری	۱	۱
بیشتر در حوزه اجتماعی و مذهبی و اخیراً اقتصادی.	۱	۱
سیاست‌ها مقطعی و کوتاه نه بلند مدت.	۱	۱
تداوم فرمالیسم و شکل محوری نه محتوامحوری.	۲	۲
الگوی آشفته ساخت و ساز ترکیبی غربی و مذهبی	۶	۶
مذهبی تر شدن شهر	۲	۲
گسترش جنبه‌های فرهنگی مذهبی شهر	۲	۲
افزایش خواسته‌های فرهنگی غیر مذهبی	۱	۱

علاوه بر این در این میان در جریان مدرنیزاسیون مشهد در دوران پس از انقلاب اسلامی تعارضاتی نیز پدیدار شده است که تعارضات زیر از مهمترین مسائل ایجاد شده در این زمینه از دید مصاحبه شوندگان است.

تعارضات سیاست‌های حاکمیتی در توسعه شهری مشهد پس از انقلاب		۱
تعارض ملی و محلی	۱	۱
تعارض سنت و مدرنیته	۸	۸
تقابل دولت و آستان قدس رضوی	۲	۲
عدم توجه به خواسته‌های فرهنگی مردم	۱	۱
توسعه بدون در نظر گرفتن اصول مدرنیزاسیون	۲	۲

بر اساس نظر مصاحبه شوندگان مهمترین تعارض ایجاد شده در اثر مدرنیته در مشهد، تعارض بین سنت و مدرنیته است. در این زمینه یکی از شرکت کنندگان معتقد است: "در مشهد حاکمیت چندگانه یا در حالت خوشبینانه حاکمیت دوگانه وجود دارد. نهادهای زیر مجموعه قوه مجریه، آستان قدس، شهرداری‌ها. این نهادها در مشهد موازی کاری را هم در پی داشته است. روی هم رفته آستان قدس مدافع شهر مذهبی و سنت بوده و هست و شهرداری در مسیر شهر مدرن حرکت کرده است. آستان قدس شهر مشهد را شهر زیارتی و

افرادی که وارد شهر می‌شوند زائر می‌نامد اما در مقابل نقدی که آستان قدس به شهرداری و شورای پنج‌مشهد وارد نموده اینست که این شورا در صدد حذف مفهوم زیارت در مشهد بوده است.

در واقع می‌توان گفت مدرنیزاسیون به ارزشهای جدید فرهنگی اشاره دارد، که با رنسانس و انقلاب صنعتی ظهور کرد و در جوامع جایگزین هنجارهای سنتی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود شده است، به عنوان مثال، فئودالیسم با دولت دموکراتیک آزاد جایگزین شد، کلیسا از دولت جدا شد و دولت ملی سکولار تأسیس شد، اقتصاد سنتی کشت و صنعت و صنایع دستی با اقتصاد صنعتی جایگزین شد، قوانین عرفی با سیستم حقوقی مکتوب جایگزین شد و مردم از نظر جهان بینی عقلانی و در روابط خود فردگرا شدند و انقیاد خود را از اقتدار اولیه جامعه شکستند. به دنبال توسعه صنعتی، روند شهرنشینی با سرعت بیشتری سرعت گرفت. شهرنشینی تغییرات اجتماعی و فرهنگی را در زندگی جامعه ایجاد کرد که با مدرنیزاسیون نیز مطابقت دارد (Gries and Grundmann 2018:495).

۳-۶- پیامدهای مدرنیزاسیون شهر مشهد

مدرنیزاسیون پیامدهای بنیادی و پربازدهی برای یک شهر به همراه می‌آورد. این پیامدها به دو دسته پیامدهای مفید و پیامدهای مضر یا آسیب رسان تقسیم بندی می‌شوند. پیامدهای ذکر شده در جدول زیر پیامدهایی است که از سوی شرکت کنندگان به عنوان پیامدهای مدرنیزاسیون مشهد ذکر شده است که از این میان گسترش فیزیکی شهر به عنوان پر تکرارترین پیامد لحاظ می‌گردد. به دنبال آن افزایش شهرنشینی، صنعتی شدن شهر، افزایش جمعیت و گسترش حاشیه نشینی نیز از دیگر پیامدهای مهم مدرنیزاسیون شهر مشهد است.

پیامدهای مدرنیزاسیون مشهد		
۱	تغییر سبک زندگی مردم شهر	۱
۱	آلودگی هوا	۱
۱	استفاده بیشتر از تکنولوژی	۱
۱	بین المللی شدن مشهد.	۱
۱	شکاف نسل‌ها	۱
۲	گسترش حاشیه نشینی	۲
۱	شکل گیری طبقه متوسط	۱
۱	نابودی اراضی کشاورزی	۱
۴	گسترش فیزیکی شهر	۴
۱	تغییر سیمای شهر	۱
۲	افزایش جمعیت،	۲
۱	سنت زدایی	۱
۱	افزایش ارتباطات و حمل و نقل،	۱
۲	صنعتی شدن،	۲
۲	افزایش شهرنشینی	۲
۱	گسترش آموزش و بهداشت	۱
۱	رواج عقلانیت و آگاهی در برخی از طبقات	۱
۱	تغییر خواسته‌ها به سمت مدرنیته	۱

در این باره یکی از شرکت کنندگان بیان کرده است که "از مهمترین پیامدها می‌توان به افزایش جمعیت، گسترش فیزیکی شهر، نابودی اراضی کشاورزی، تغییر سیمای شهر و غیره اشاره نمود. تغییرات مذکور در اثر مدرنیزاسیون را می‌توان به چند دسته عمده تقسیم بندی کرد که مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

- تغییرات جمعیت شناختی
- تغییرات جغرافیایی
- تغییرات اداری سازمانی
- تغییر در اکوسیستم
- تغییرات سیستم‌های بهداشتی
- تغییرات در سیستم حمل و نقل
- تغییرات علمی و فرهنگی
- تغییرات توریستی
- تغییرات تجاری و صنعتی
- تغییرات الکترونیکی و مخابراتی

برخی از این تغییراتی که بر اثر مدرنیزاسیون بوجود آمده‌اند مثبت تلقی می‌شوند، برخی منفی و برخی جنبه‌های دوگانه‌ای دارند.

نتیجه‌گیری

علم و فناوری توسعه سریع و استاندارد بالاتر زندگی را تضمین کرده است. مزایای پیشرفت‌های فناوری بی‌پایان است زیرا حداکثر راحتی را برای بشر امروزی فراهم می‌کند. با این حال متأسفانه بهره‌برداری و استفاده بیش از حد از چنین پیشرفت‌هایی شهرها را به تدریج به سمت نابودی می‌کشاند. در دهه‌های اخیر همگام با پیدایش و تکامل مدرنیته جهانی، انباشت سرمایه، تمرکز فضایی ابزار تولید و نیاز به نیروی کار، شهر مشهد به سرعت از نظر جمعیتی و وسعتی توسعه یافته است و مکان مناسبی برای سرمایه‌داران جهت اجرای طرح‌های گردشگری، ساختمانی، صنعتی و بازرگانی شده است. با اینکه طرح‌های توسعه‌ای جدید توریسم، صنعت و تجارت را در مشهد رونق بخشیده و در افزایش قدرت نرم شهر تأثیر بسزایی داشته است، جنبه‌های منفی چون آسیب به محیط زیست، التقاط فرهنگی و فاصله‌گیری از جنبه‌های تاریخی و سنن شهر زیارتی سنتی مشهد را با خود به همراه داشته است که این جنبه‌ها را هم می‌توان در فرهنگ و منش ساکنین شهر و مشخص‌تر از آن در چهره شهر مشاهده نمود

در سالهای اخیر منظر شهری مشهد دستخوش تغییر زیادی شده است و معماری مراکز تجاری و ساختمان‌های بلند مرتبه که اصالت غربی دارد، همچنان به شکلی ناهماهنگ با هویت شهر مشهد در حال قد کشیدن هستند. ساختارهای بسیاری از این مراکز حتی وقتی می‌خواهند معماری تلفیقی داشته باشند باز هم مدرن و به سیستم غربی ساخته می‌شوند. ساختمان‌هایی مثل جهان مال و اطلس مال هر یک با حدود ۸۰ هزار متر مربع بنا و ۳۰۰۰ میلیارد تومان سرمایه گذاری با آرایشی مدرن و باشتاب مسیر ساخت و ساز را طی می‌کنند. با وجود فرصت‌هایی که مدرنیزاسیون برای شهر مشهد به ارمغان آورده است، باید در نظر داشت که مهمترین توانمندی شهری در مشهد، گردشگری مذهبی است و ضروری است تمامی زوایای شهر با این پتانسیل غنی همخوانی داشته باشد. رعایت استانداردهای چنین همخوانی‌ای می‌تواند پویایی و توسعه شهر را در طولانی مدت به همراه داشته باشد.

بدیهی است که نمی‌توان در مقابل مسیر نوسازی و مدرنیزاسیون شهر مشهد مقاومت کرد، با این حال لازم است با برنامه ریزی شهری مناسب تهدیدها و مشکلات به وجود آمده در شهر را کمرنگ‌تر نمود و آنها را به فرصت تبدیل کرد. برنامه ریز شهری، تخصصی است که در زمینه برنامه ریزی شهری به منظور بهینه سازی اثربخشی کاربری زمین و زیرساخت‌های جامعه فعالیت می‌کند. برنامه ریزان شهری برنامه‌هایی را برای توسعه و مدیریت مناطق شهری و حومه‌ای تدوین می‌کنند، به طور معمول سازگاری کاربری زمین و همچنین روندهای اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی را تجزیه و تحلیل می‌کنند. در تهیه هر برنامه برای یک جامعه (اعم از تجاری، مسکونی، کشاورزی، طبیعی یا تفریحی)، برنامه ریزان شهری باید طیف گسترده‌ای از موضوعات از جمله پایداری، آلودگی‌های موجود و بالقوه، حمل و نقل از جمله احتقان احتمالی، جرم، ارزش‌های زمین، توسعه اقتصادی، عدالت اجتماعی، کدهای منطقه بندی و سایر قوانین را در نظر داشته باشند. در این تحقیق تلاش شد تا اثرات توسعه و مدرنیزاسیون شهری بر ابعاد مختلف سیاسی، کالبدی و فضایی، گردشگری، اجتماعی و فرهنگی و جمعیتی شهر مشهد مورد بررسی و تجزیه تحلیل قرار گیرد و پیشنهادهایی برای کاهش اثرات نامطلوب مدرنیزاسیون ارائه گردد. بررسی نتایج و جنبه‌های مختلف توسعه شهری می‌تواند مسیر آینده را برای رسیدن به توسعه پایدار متناسب با فرهنگ و بافت مذهبی و تاریخی مشهد را هموار کند. این مطالعه با توجه به رویکرد کیفی و مصاحبه عمیق با خبرگان شهر مشهد که اشراف کامل به موضوع داشتند در نوع خود کم نظیر بود و توانست بسیاری از جنبه‌های پنهان موضوع را آشکار سازد. نتایج این پژوهش می‌تواند در برنامه ریزی‌های شهری و سیاست گذاری‌های کلان شهری، استانی و کشوری مورد استفاده قرار بگیرد و کلیه وزارت خانه‌های جمهوری اسلامی ایران می‌توانند از این نتایج بهره مند شوند.

منابع

- متولی حقیقی، مژگان علی خیاوی، منا (۱۳۹۲). «هنر قدسی و تعامل آن با فناوری های نوین» کنفرانس بین المللی عمران، معماری و توسعه پایدار شهری.
- مهدی‌زاده دهاقانی، ناصر (۱۳۸۴)، تحلیل از ویژگی‌های برنامه ریزی شهری در ایران، تهران: دانشگاه علم و صنعت.

نجیب زاده، نسرین؛ صارمی، دکتر حمیدرضا؛ (۱۳۹۴). «آسیب‌شناسی مداخله‌های کالبدی صورت گرفته در بافت قدیم مشهد(با تاکید بر دوره‌های صفوی، پهلوی و معاصر (پس از انقلاب اسلامی))». فقه و تاریخ تمدن، ۳۵(۴۴): ۱۱-۴۵.

- Acemoglu, D. and J. A. Robinson (2018). "Beyond modernization theory." Annals of Comparative Democratization 16(3): 26-31.
- Black, C. E. (1976). Comparative modernization: a reader, Free Press.
- Cohen, M. (2017). "A systematic review of urban sustainability assessment literature." Sustainability 9(11): 20-48.
- Crisp, J. (2017). "Finding space for protection: An inside account of the evolution of UNHCR's Urban Refugee Policy." Refuge: Canada's journal on refugees 33(1): 87-96.
- Fourie, E. (2012). "A future for the theory of multiple modernities: Insights from the new modernization theory." Social Science Information 51(1): 52-69.
- Gollin, D., R. Jedwab and D. Vollrath (2016). "Urbanization with and without industrialization." Journal of Economic Growth 21(1): 35-70.
- Gries, T. and R. Grundmann(2018). Fertility and modernization: the role of urbanization in developing countries." Journal of International Development 30(3): 493-506.
- Gross, J. S., E. Gualini and L. Ye (2018). Constructing metropolitan space: Actors, policies and processes of rescaling in world metropolises, Routledge.
- Inglehart, R. (1997). "Modernization, postmodernization and changing perceptions of risk." International Review of Sociology 7(3): 449-459.
- Inglehart, R. (2020). Modernization and postmodernization: Cultural, economic, and political change in 43 societies, Princeton university press.
- Inglehart, R. and C. Welzel (2005). Modernization, cultural change, and democracy: The human development sequence, Cambridge University Press.
- Inglehart, R. and C. Welzel (2007). "Modernization." The Blackwell encyclopedia of sociology.
- Inglehart, R. and C. Welzel (۲۰۱۰). (Changing mass priorities: The link between modernization and democracy." Perspectives on politics: 551-567.
- Júnior, W. S. F., F. R. Santoro, I. Vandebroek and U. P. Albuquerque (2016). Urbanization, modernization, and nature knowledge. Introduction to ethnobiology, Springer: 251-256.
- Lenzi, C. and G. Perucca(2020).Urbanization and Subjective Well-Being. Regeneration of the Built Environment from a Circular Economy Perspective, Springer, Cham: 21-28.
- Marsh, R. M. (2014). "Modernization theory, then and now." Comparative Sociology 13(3): 261-283.
- Martinelli, A. (2005). Global Modernization: Rethinking the project of modernity, Sage.
- Norman, B. (2018). "Are autonomous cities our urban future?" Nature communications 9(1): 1-3.
- Parnell, S. (2016). "Defining a global urban development agenda." World Development 78: 529-540.
- Ritchie, H. and M. Roser(2018),Urbanization." Our world in data.
- Zhang, B., Q. Yang, Y. Yan, M. Xue, K. Su and B. Zang (2011). "Characteristics and reasons of different households' farming abandonment behavior in the process of rapid urbanization based on a survey from 540 households in 10 counties of Chongqing municipality." Resources science 33(11): 2047-2054.